

تحلیلی بر احساس آنومی فردی در میان جوانان با تأکید بر جنسیت

دکتر ملیحه شیانی*

دکتر محمد علی محمدی**

چکیده

مقاله با استناد به یافته‌های پژوهشی به منظور شناسایی احساس آنومی فردی جوانان و برخی عوامل تأثیرگذار بر آن تدوین شده است. پس از بررسی منابع و نظریه‌ها و تدوین چهارچوب نظری با شیوه پیمایش و استفاده از پرسشنامه و مصاحبه، اطلاعات مورد نیاز گردآوری شد. حجم نمونه ۷۰۰ نفر از جوانان دختر و پسر تهران بوده که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و به صورت تصادفی انتخاب شدند. نتایج نشان می‌دهد نسبت قابل توجهی از دختران و پسران در وضعیت آنومیک قرار داشته اما این احساس به لحاظ جنسیت معنادار نیست. در بررسی روابط نتایج نشان می‌دهد احساس آنومی فردی دختران متأثر از عوامل فردی و اجتماعی است که حالتی از گسستگی میان فرد و جامعه را بازتاب می‌دهد.

واژگان کلیدی: احساس آنومی فردی، وضعیت آنومیک، جوانان، دختران و تهران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* عضو هیأت علمی گروه برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

** عضو هیأت علمی گروه رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

طرح مسأله

در شرایط عادی هر جامعه‌ای، حیات فردی و اجتماعی در تداوم با یکدیگر بوده و تضاد میان منافع و مصالح فرد با جامعه وجود ندارد و منافع فردی از گذر پای‌بندی به اصول و هنجارهای اجتماعی محقق می‌شود. اما در عین حال، جوامع انسانی از دیرباز با مسائل و مشکلات گوناگون دست به گریبان بوده و در بسیاری موارد منافع فرد و جامعه در تقابل با یکدیگر قرار گرفته و گریز از هنجارها بیش از پیش خود را آشکار ساخته است. در وضعیت اول یا بسامان، ساختارهای اجتماعی، خواسته‌ها و تمایلات فردی دارای روابط نظام یافته‌ای هستند، اما در وضعیت دوم یا آنومیک معمولاً ارزش‌ها و هنجارهای موجود مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند و فرد می‌پندارد با زندگی در جامعه نمی‌تواند به خواسته‌ها و نیازهایش دست یابد. تغییرات سریع فرهنگی و اجتماعی، بسیاری از عرصه‌های حیات بشری از جمله رابطه فرد با جامعه را تحت تأثیر قرار داده است. با توسعه روند جهانی شدن و قابلیت ادغام‌پذیری مرزهای جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی با اوج فن‌آوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی تغییرات بسیار گسترده‌تر و سریع‌تر از قبل رخ می‌دهد. جامعه ایران نیز با قرار گرفتن در مسیر تحولات شتابان جهانی و رخداد‌های مهم اجتماعی-سیاسی در سطح ملی، بستر مناسبی را برای تغییرات رابطه فرد و جامعه و به تبع آن بروز و تشدید وضعیت آنومیک فراهم کرده است. در این شرایط، جوانان که با گذار از دوران کودکی و نوجوانی، آمادگی پذیرش حضور مؤثرتر در جامعه را پیدا می‌کنند، بیشتر در معرض آسیب هستند. به خصوص آن که در این تحولات، با چالش‌های شدید میان مبانی سه‌گانه ملی، دینی و غربی شکل‌گیری هویت هم روبرو هستند. در این میان با توجه به تفاوت‌های تاریخی، ساختی و پایدار جنسیتی، دختران جوان جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهند. تفاوت‌های جنسیتی در دوران گذشته به دلیل تبعیت زنان از مردان آشکار نبوده ولی با دگرگونی‌های فراگیر به ویژه در بعد آموزش بسیار فعال شده است. نکته قابل توجه آن است که هنگام تضاد فرد با جامعه این تفاوت‌ها و گاه تبعیض‌ها به صورت آشکار نمایان می‌شود. در چنین شرایطی، اگر دسترسی دختران و پسران جوان به امکانات و فرصت‌ها نابرابر باشد، موجبات احساس آنومی فراهم می‌شود. سردرگمی در انتخاب الگو و روش زندگی، عدم اطمینان به آینده، بی‌هدفی، فاصله آرزوها با واقعیت‌های جامعه و غیره همه معرف تقابل منافع فردی و جامعه است که می‌تواند در قالب احساس آنومی فردی، جامعه را از تلاش باز داشته و وضعیت آنومیک یا نابسامان اجتماعی را تشدید نماید.

به این ترتیب، نکات قابل تأمل از یک سو وضعیت آنومیک جوانان در جامعه است و از سویی دیگر تفاوت‌هایی است که می‌تواند بر حسب جنسیت میان آنان وجود داشته باشد. به منظور درک بهتر رابطه جنسیت با احساس آنومی فردی در میان جوانان باید دانست: اولاً جامعه با مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متعدد مواجه است و ثانیاً تحولات پدید آمده انتظارات جدیدی را برای دختران ایجاد کرده که در دستیابی به آنها با دشواری بیشتری مواجه هستند. اگرچه مطالعات در زمینه آنومی، اندک نیست (ن. ک. گیویان ۱۳۷۳، توسلی ۱۳۸۲، مرجایی ۱۳۸۲، پیران ۱۳۸۵، شیان و محمدی ۱۳۸۶، کوثری، ۱۳۸۲، محسنی تبریزی، ۱۳۸۱) اما ویژگی مغفول مانده در بسیاری از مطالعات جنسیت و تأثیر آن در تعمیق و شدت آنومی‌های فردی و اجتماعی است.

نوشتار حاضر با توجه به تغییر وضعیت جامعه با استناد به یافته‌های پژوهشی در تلاش برای ارائه تصویری از احساس آنومی فردی جوانان و تحلیل و در شرایط ساختاری پدید آورنده آن، تحلیل و تبیین برخی عوامل تأثیرگذار بر احساس آنومی فردی دختران است. این هدف با پاسخ‌گویی به چند پرسش تحقق یافته است: میزان احساس آنومی فردی در میان جوانان چقدر است؟ چه تفاوت‌هایی میان دختران و پسران در زمینه میزان و عناصر تشکیل دهنده احساس آنومی فردی وجود دارد؟ و با تأکید بر جنسیت چه عواملی بر میزان احساس آنومی فردی دختران تأثیر دارند؟

چهار چوب نظری

تا کنون در محافل و نشریات علمی کشور بحث‌های فراوانی در خصوص آنومی و انواع و نتایج آن شده است اما آن چه موجب می‌شود این موضوع به رغم تکرار همچنان اهمیت بررسی و نقد و نظر داشته باشد، به دو علت اساسی برمی‌گردد؛ اول شرایط اجتماعی فعلی ایران و به ویژه جوانان است و دوم این که در حوزه جوانان، مبحث آنومی با جرم و بزه‌کاری پیوند معنادارتری پیدا می‌کند که در صورت عدم توجه جدی به احساس آنومی آنان، در واقع به عامل اصلی جرم‌خیزی بی‌توجهی شده است.

نویسندگان کتاب «میراث نظریه آنومی» نیز از همین زاویه وارد بحث آنومی شده و تأکید داشته‌اند که آنومی در حوزه نظریه‌های جرم‌شناسی^۱ کاربرد دارد و برای تبیین رویکرد خود، مکانیسم‌های روان‌شناختی را با نظریه استیصال^۲ مرتون و نظریه‌های کنترل اجتماعی^۳ در آمیخته‌اند که در آن بین توسعه جامعه و افزایش بسترهای جرم، روابط معنادار یافته‌اند (Adler, et. al, 2000).

رابرت کینگ مرتون^۴ تلقی دورکیم از آنومی را در قالب نظریه استیصال خود بسط داده و در توضیح دلایل تفاوت نرخ جرم در بین طبقات بالا و پایین ادعا کرده که دو ساختار در بروز جرم و انحراف دخیل است؛ ساختار اول، اهداف و آرزوهایی که به لحاظ فرهنگی تعریف شده و تمام افراد جامعه در طول زندگی خواهان آن هستند. ساختار دوم، وسایل و راه‌های نهادینه شده برای رسیدن به اهداف و آرزوها است. در سطح خرد زمانی که فرد شیوه‌ای تأیید شده برای دستیابی به اهداف خود نداشته باشد، مستأصل شده و به وسایل نامشروع متوسل می‌شود. در سطح کلان هم وقتی جامعه توان ارائه ابزار و وسایل قابل قبول برای دستیابی به اهداف مطرح در سطح خرد را نداشته باشد خود باعث ایجاد آنومی می‌شود. البته جوامع از لحاظ درجه اهمیتی که برای اهداف و وسایل قائل می‌شوند با یکدیگر تفاوت دارند (Merton, 1938 : 672-82).

نظریه کنترل اجتماعی تراوس هرشی، کج‌رفتاری را نتیجه نبود کنترل اجتماعی می‌داند؛ یعنی کج‌رفتاری اشخاص، بیش از آن که ناشی از نیروهای محرک به سوی ناپهنجاری باشد، محصول عدم ممانعت است (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۵: ۴۷-۴۶).

1 . Criminology
 2 . Strain Theory
 3 . Social Control
 4 . Robert King Merton

اما مرتون ایده‌های هرشی را چندان بر نمی‌تابد و وضعیت آنومیک را اغلب با نابرابری فرصت‌ها دارای همبستگی می‌داند که واکنش به فقدان فرصت، اغلب در نزد جوانان در قالب جرم و بزه نمایان می‌شود. آن چه نابرابری در فرصت‌ها را در جوامع توسعه یافته موجه جلوه می‌کند - که الزاماً به آنومی و بزه کاری منجر نمی‌شود - اصل فرصت مبتنی بر تفاوت در توانایی و استعداد است که کارکردگرایی چون دورکیم و پارسونز بدان تأکید داشته‌اند که برخی از مشاغل که برای جامعه و پایداری آن ضرورت بیشتری دارد، برای احراز آن هم افرادی با قابلیت‌های ویژه و توانمندی و استعداد بالاتر لازم است و این نابرابری جرم‌خیز نیست. اما آن چه به همبستگی و هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی آسیب وارد می‌کند، امتیازات مبتنی بر طبقه اجتماعی است که فرصت‌ها را نابرابر تقسیم می‌کند (Abercrombie, 2004: 85-88).

مایکل یانگ در اثر معروف خود، «آغاز امتیاز سالاری»^۱ ضمن نقد نظریه کارکردگرایی چون دیویس و مور^۲ نابرابری در فرصت‌ها را به قشر بندی جامعه نسبت می‌دهد که طبقات پایین، با فرصت‌های کمی که در اختیار دارند، قادر نیستند تمام توانایی و استعداد خود را شکوفا کرده یا ارائه کنند که در نتیجه اعضای طبقات پایین جامعه احساس حقارت کرده و کاملاً غیر اخلاقی خواهند شد (Young, 1961) که این خود منشأ بروز احساس آنومی و در نتیجه بزه کاری و جرم خواهد بود.

به هر حال در باب آنومی باید گفت: این واژه برگرفته از مفهوم Anomos یونانی به معنای بی‌قانونی است که اول بار توسط امیل دورکیم وارد جامعه‌شناسی شد و از نظر ریشه لغوی، فقدان قوانین یا هنجارها را می‌رساند. در برابر آنومی، واژه «سینومی»^۳ قرار دارد که نشان دهنده جامعه یا وضعیت اجتماعی دارای آگاهی جمعی، درجه بالای همبستگی اجتماعی، شبکه اجتماعی قدرتمند و میزان بالای سرمایه اجتماعی است که به دلیل عواملی چون نظام خانواده گسترده قوی، هنجارهای فرهنگی، رفتارهای دینی، قواعد حقوقی منسجم و غیره از وضعیت سینومی یا غیر آنومیک بهره‌مند شده است (Stockard, 2000 : 142).

این مفهوم در واقع با مجموعه‌ای از مفاهیم متناظر است که با وجود کاربرد زیاد آن، به لحاظ محتوایی در میان اندیشمندان متفاوت است. در این باره دو فرضیه قابل طرح است: اول - فرضیه معرفت شناختی؛ طبق این فرضیه مفهوم به طور تلویحی از طرف بسیاری از جامعه‌شناسان به عنوان واقعیتی که تنها از گذر تظاهرات گوناگون قابل مشاهده بوده، ادراک شده است. دوم - فرضیه‌ای از مقوله جامعه‌شناسی علم؛ بر اساس آن شاید آنومی در جامعه‌شناسی غیرمارکسیستی همان مفهومی را داشته باشد که بیگانگی^۴ در جامعه‌شناسی مارکسیستی دارد. آنومی و بیگانگی در دو چهارچوب نظری متفاوت ایده آنومی بنیادی در روابط میان فرد و جامعه‌اش را بیان می‌کند (بوریکو، ۱۳۸۵ : ۶۵۹-۶۵۸).

احساس آنومی در سطح فردی و روان‌شناختی بیشتر با بحران هویت فردی پیوند می‌خورد که تأیید یا ناکامی در تأیید خود از طرف دیگران را در عواطف فرد مؤثر دانسته که مهمترین این تأییدات از به رسمیت شناختن نقش افراد در جامعه یا از طرف دیگران منبعت می‌شود. به نظر ترنر، این تأمین عاطفی از

1. The Rise of the Meritocracy
2. Davis & Moore
3. Synnomie
4. Alination

سوی جامعه و یا مردم، باعث احساس عزت نفس^۱ فرد شده و مانع از پریشانی، اضطراب و سایر احساسات منفی و تلاش‌های بزه‌کارانه برای جبران شکست و ناکامی‌ها می‌شود (Turner, 2003: 379).

در نظریه‌های انتقادی به ویژه مارکسیستی، آنومی با مفهوم از خود بیگانگی همراه می‌شود که به نوعی همان مفهوم بحران هویت را به ذهن متبادر می‌کند. به اعتقاد این گروه از جامعه‌شناسان، زیرساخت بسیاری از مسائل اجتماعی جامعه معاصر را باید در نظام سرمایه‌داری جستجو کرد که ادامه حیات آن باعث از خود بیگانگی رو به تزاید می‌شود. آنومی‌های فردی، فرافکنی بحران‌های درونی نظام سرمایه‌داری و ناشی از بیگانگی انسان معاصر است که نتوانسته نقش تاریخی خود را ایفا کند. بیگانگی در معنای جامعه‌شناختی، گسیختگی رابطه میان فرد و دیگران را بازتاب می‌دهد (بوریکو، ۱۳۸۵ : ۱۱۴).

کارل مارکس در توجه به شرایط مادی تولید نظیر نیروهای مولد و روابط تولیدی در شکل‌گیری روابط اجتماعی، از خود بیگانگی را در فرایند غیرانسانی کار به واسطه توسعه سرمایه‌داری مطرح می‌کند. از دید مارکس، انسان واقعیت‌های اجتماعی را بنیان می‌نهد که به صورت عینیت‌ها و اشیاء خارجی در شکل نهادها و امور اجتماعی تجلی می‌یابند، سپس خود را در شرایطی بر انسان تحمیل می‌کنند. به این ترتیب، انسان سازنده و خود آفرین، مقهور محصول کار خود که به صورت نظام اقتصادی - اجتماعی در آمده، می‌شود تا جایی که این ساخته‌ها از انسان بیگانه شده و آفریننده خود را آفریده احساس می‌کند. چنین فراگردی که شخصیت انسان را در معرض خطر قرار می‌دهد، بیگانگی نام دارد. تنها راه رهایی، خودآگاهی و خروج از نظام سرمایه‌داری است. در حقیقت، بیگانگی از عملکرد کل نظام اجتماعی بر می‌خیزد. هنگامی که هنجارها قدرت حفظ وفاداری عمومی را ندارد و احساس از هم گسیختگی فرد را از جمع دور می‌کند از خود بیگانگی به وجود می‌آید. علت در ناهمسازی کارکرد نظام، با نیازهای انسان است. بیگانگی انسان از طریق همسازی با شرایط محیط اجتماعی - که بر وی تحمیل شده و به آن گردن نهاده - ایجاد می‌شود (Turner, et.al, 1998 : 196).

بر همین اساس می‌توان صورت‌بندی‌های علمی متفاوتی را در تبیین و تحلیل آنومی در دیدگاه‌ها و نظریه‌ها یافت. امیل دورکیم آنومی را فقدان اجماع بین فرد و جامعه درباره اهداف اجتماعی و انتظارات جمعی و آنچه که جامعه به عنوان الگوهای رفتار برای اعضای خود متصور شده، تعریف می‌کند. دورکیم دو نوع آنومی را مشخص می‌کند؛ یکی در سطح فردی و دیگری در سطح اجتماعی. آنومی در سطح فردی، نوعی حالت ذهنی است که در آن به واسطه اختلالات اجتماعی، فرد در انتخاب هنجارها و تبعیت از قواعد رفتاری دچار نوعی سردرگمی، احساس بی‌قدرتی، بی‌معنایی و پوچی می‌شود. آنومی در سطح اجتماعی یا آنومی اجتماعی نمایان گر نوعی اختلال و بی‌هنجاری جمعی است که در آن احساسات فرد با توجه به نظام اجتماعی سنجیده می‌شود. هنگامی که توازن اجتماعی وجود ندارد، فرد وسیله لازم جهت تنظیم رفتار خود و تطبیق آن با معیارهای اجتماعی را ندارد و فاقد احساس حمایت اجتماعی است. در این صورت، ممکن است فرد به رفتارهای ناپه‌نجان دست بزند و در نهایت خود را از عضویت جامعه خلع کرده و یا به صورت فردی از خود بیگانه، ناتوان، نا امید و منزوی و منفعل به زندگی خود ادامه دهد (Durkheim, 1951 : 209-10).

از نظر دورکیم تغییرات سریع در حرکت به سوی پیشرفت اقتصادی در جوامع جدید سبب شده افراد از هنجارهای روشن جامعه تبعیت نکنند و هنجارهای اجتماعی نفوذ خود بر رفتار افراد را از دست بدهد که بازتاب آن را می‌توان در شرایط آنومیک در قالب خودکشی مشاهده کرد (Frisby & Sayer, 1986 : 48-50).

در حقیقت، دورکیم، آنومی را نقصان درونی کردن هنجارهای جامعه، عدم قابلیت سازگاری با هنجارهای در حال تغییر و حتی تنش و تضاد میان خود هنجارها می‌داند. روندهای جدید جوامع صنعتی و شهری منجر به تغییرات هنجاری، اغتشاش و کم شدن کنترل اجتماعی بر افراد می‌شود. ظهور سبک زندگی نوین، شاید آزادی بیشتر، احتمال بروز رفتارهای انحرافی را گسترش می‌دهد که ناشی از سست شدن پیوندهای محکم افراد با خانواده، روستا و سنت‌های با دوام است (Stewart & Glym, 1974:163 به نقل از یزدان پناه، ۱۳۸۷ : ۱۰۳).

به این ترتیب در دیدگاه دورکیم آنومی هم در ارتباط با شرایط اجتماعی و هم رفتارهای افراد معنا می‌یابد. در یک نظام اجتماعی با بی‌اعتباری هنجارهای اجتماعی، افراد اهداف دست‌نایافتنی را انتخاب می‌کنند در حالی که رها شده و بدون راهنما هستند؛ یعنی با تضعیف و ناکارآمدی هنجارها راه‌گزین از جامعه را پیش می‌گیرند که در اشکال مختلف نظیر تزلزل شخصیتی افراد در برابر قوانین و قواعد، خودکشی و غیره بروز پیدا می‌کند.

بر اساس نظریه رابرت مرتون، در هر جامعه‌ای ارزش‌ها و هنجارهای کم و بیش مشترک و همگانی وجود دارد. این ارزش‌ها به درجات متفاوتی در میان اعضای جامعه درونی شده و خاستگاه اهدافی هستند که افراد برای خود تعیین می‌کنند. به منظور دستیابی به اهداف، افراد راه‌ها و وسایلی در اختیار دارند که توسط هنجارها نهادینه شده‌اند. برای انتخاب وسایل و راه‌ها و پذیرش ارزش‌ها و اهداف، افراد از فرصت آزادی عمل برخوردارند. از ترکیب انتخاب‌ها، چند شیوه رفتاری به دست می‌آید:

۱- هم‌نواپی (Conformism): عبارت از کنش افرادی است که به اهداف و وسایل و راه‌های هنجارمند و

مثبت ارزیابی شده، پای بند هستند. این افراد وضعیت اجتماعی را پذیرفته و ناسازگار نیستند.

۲- نوآوری (Innovation): رفتار افرادی است که می‌کوشند با استفاده از راه‌ها و وسایلی که منفی

ارزیابی شده به اهداف تعیین شده و مثبت دست یابند.

۳- مراسم‌گرایی یا آئین‌باوری (Ritualism): کنش افرادی است که در هم‌رنگی با هنجارها و سنت‌ها،

راه‌ها و وسایل را پذیرفته، اما نسبت به اهداف بی‌اعتنا هستند.

۴- واپس‌گرایی (Retreatment): مشخصه افرادی است که اهداف و وسایل و راه‌های دستیابی به آنها را

که از لحاظ اجتماعی مثبت ارزیابی شده انکار می‌کنند. چنانچه افراد جایگزینی برای برقراری نظم

اجتماعی با شورش و طغیان ارائه نمایند، کنش‌های آنان شورش‌گری یا انقلاب (Rebellion) نام

می‌گیرد (Crothers, 1987 : 108).

از دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مسأله آنومی فردی در قالب بیگانگی مورد توجه بیشتر قرار گرفت. بسیاری از جامعه‌شناسان با استفاده از مقیاس‌های چند بعدی با پژوهش‌های گسترده به این تقاضا پاسخ دادند. ملوین سیمن از جمله کسانی است که کوشیده با تعریفی از بیگانگی و گونه‌شناسی آن رفتارهای بیگانه‌گونه را در پنج نوع نشان دهد شامل: احساس بی‌قدرتی (Powerlessness)، احساس بی‌معنایی (Meaninglessness)،

احساس بی‌هنجاری (Normlessness)، احساس انزوای اجتماعی (Social Isolation) و از خود گسستگی (Self-Strangement) (نگاه کنید به Miller, 1991 : 469-471).

به این ترتیب با مروری بر برخی نظریه‌ها می‌توان نتیجه گرفت که آنومی مفهومی جامعه‌شناختی است که به وضعیت و شرایط اجتماعی اطلاق می‌شود که در آن هنجارهای معمول با واقعیت‌های اجتماعی در ستیز قرار گرفته، معیارهای روشنی برای راهنمایی رفتار در زندگی اجتماعی وجود نداشته، هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر رفتار افراد از دست داده، تعهدات متقابل نادیده گرفته شوند و افراد به درستی از قواعد و قوانین پیروی نکنند (معیدفر، ۱۳۸۵: ۱۹۵). افراد در این شرایط دچار نگرانی، اضطراب، سردرگمی، بی‌هدفی، بی‌معنایی، بی‌انگیزگی، انزوا طلبی، بی‌قدرتی و بیگانگی شده و گسست میان افراد و جامعه آشکار می‌شود. این حالات احساس انومی فردی را بازتاب می‌دهد.

روش شناسی

روش مورد استفاده در پژوهش پیمایش است. با توجه به دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی از تکنیک پرسشنامه و مصاحبه جهت گردآوری اطلاعات استفاده شده است. در تنظیم پرسشنامه مراحل متعددی طی شده تا بتوان به طور دقیق‌تر متغیرهای موجود در فرضیه‌ها را اندازه‌گیری کرد.

جامعه آماری را دختران و پسران ۲۹-۱۵ ساله شهر تهران تشکیل می‌دهند که با کاربرد روش نمونه‌گیری احتمالی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول نمونه‌گیری کوکران بهره‌گیری شده که حجم نمونه را ۷۰۰ نفر برآورد کرده است. مبنای انتخاب هم نقشه‌های بلوک‌بندی شده شهر تهران و چهارچوب نمونه بوده که هر واحد به صورت تصادفی پاسخگوی پرسش‌های مندرج در پرسشنامه بوده است.

اصلی‌ترین متغیر، احساس انومی فردی بوده که بر اساس تعاریف جامعه‌شناسان به «حالتی اطلاق می‌شود که در آن به واسطه شرایط آنومیک جامعه یا آنومی اجتماعی فرد دچار سردرگمی در انتخاب هنجارها، راه‌ها، تبعیت از قواعد رفتاری و احساس بی‌قدرتی، ناامیدی، بی‌اعتمادی و غیره در دستیابی به نیازها، خواسته‌ها و اهداف می‌شود». این متغیر به صورت مقیاسی چند گزینه‌ای در ابعاد مختلف اندازه‌گیری شده است.

از مجموع نمرات گویه‌های مقیاس شاخص کلی با عنوان میزان احساس انومی فردی به دست آمد. پس از ساخت شاخص کلی و دیگر متغیرها در قالب متغیرهای مستقل اعتبار و اعتماد ابزار سنجش برآورد شد. به منظور سنجش اعتبار از شیوه اعتبار محتوا^۱ مبتنی بر نظر کارشناسان و صاحب‌نظران استفاده شد و پس از آزمون مقدماتی با کاربرد همبستگی و تحلیل عاملی و برآورد ضرایب آلفای کرونباخ و KMO اعتماد یا پایایی ابزار هم مورد تأیید قرار گرفت. آلفای کرونباخ برای احساس انومی فردی ۰/۸۱۰ و KMO معادل ۰/۷۸ به دست آمده است. دیگر شاخص‌ها هم با ضرایب بالای ۰/۶ به تأیید رسیده است.

در این مطالعه به منظور توصیف یافته‌ها از جداول یک بعدی و شاخص‌های مرکزی استفاده شده و برای مقایسه دو گروه از آزمون مقایسه میانگین‌ها و سطح معناداری مربوطه بهره‌گیری شده است. در بیان روابط متغیرها از جداول دو و سه بعدی، آماره‌های همبستگی، کاسکوئر، کندال، گاما... استفاده شده است.

توصیف یافته‌ها

در مجموع ۷۰۰ نفر از جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که حدود ۴۰ درصد آنان را دختران تشکیل می‌دهند. اکثر دختران در گروه سنی ۱۸-۱۵ سال و پسران ۲۴-۱۹ سال قرار دارند. تحصیلات بیشتر آنان دیپلم و فوق‌دیپلم بوده و اکثریت در زمره دانش‌آموزان و دانشجویان قرار می‌گیرند. با این وجود، حدود ۹ درصد دختران و ۱۱ درصد پسران شاغلند و عمدتاً به مشاغل اداری - دفتری و خدماتی می‌پردازند. نحوه گذران اوقات فراغت در برخی موارد میان دختران و پسران متفاوت است. نسبت بیشتری از دخترها به تماشای تلویزیون، برنامه‌های ماهواره و فعالیت‌های فرهنگی و هنری می‌پردازند، در حالی که پسران عمدتاً با ورزش، خواندن روزنامه و صرف وقت با دوستان اوقاتشان را پر می‌کنند. در زمینه موسیقی، تئاتر، مطالعه کتاب، فعالیت‌های مذهبی و امور داوطلبانه تفاوت معناداری میان دو جنس وجود ندارد. حدود ۲۶/۴ درصد و ۳۴/۸ درصد پسران حداقل در یک سازمان یا نهاد ورزشی، علمی، مذهبی و مدنی عضویت دارند.

در زمینه تحصیلات پدر و مادر یافته‌ها حاکی از سطح تحصیلات متوسط میان والدین است، اما نسبت بیشتری از دختران پدر یا مادرشان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. اکثر پدرها در مشاغل پائین و متوسط شاغل بوده و حدود ۸۴ درصد مادران خانه‌دار هستند. اکثر جوانان درآمد پدرشان را متوسط (حدود ۴۰۰ هزار تومان در ماه) عنوان کرده، اما پدران با درآمد بالا، بیشتر در میان دختران وجود داشته است.

جوانان درباره مسائل و موضوع‌های مختلف ارزیابی و نگرش‌های متفاوتی دارند. در مورد نگرش نسبت به کار کردن زنان خارج از خانه، ۲۰/۹ درصد دختران و ۱۴/۷ درصد پسران ابراز مخالفت کردند. همچنین، نگرش مشارکتی در میان اکثر جوانان پائین و متوسط بوده، ولی در مقایسه پسران بیش از دختران نگاه مثبت به مشارکت فعال در امور جامعه دارند. اکثریت دختران و پسران معتقدند که در جهان پول فقط اهمیت دارد و بقیه چیزها در مقایسه با آن مهم نیستند، پسران بیش از دختران بر این باور اصرار دارند. ۳۵/۶ درصد پسران و ۲۸/۹ درصد دختران اعتقاد به سرنوشت و تعیین امور از قبل دارند. همچنین ۵۴/۳ درصد پسران و ۳۲/۷ درصد دختران هم‌رنگی با جماعت را توصیه می‌کنند. ۳۱/۹ درصد پسران و ۱۵/۹ درصد دختران هدف را مهم دانسته و دستیابی به آن را با هر وسیله‌ای می‌پذیرند.

بخش دیگری از رویکردها به وضعیت جامعه باز می‌گردد. طبق یافته‌ها اکثر دختران و پسران معتقدند: در جامعه امکان تحصیل برای همه وجود دارد. اما در ارزیابی وضع موجود در مقایسه با چند سال گذشته به لحاظ درآمد اکثر دختران شرایط را بدون تغییر و پسران بهتر دانسته‌اند. به لحاظ احترام اجتماعی اکثر دختران و پسران وضعیت را بهتر ارزیابی کرده، ولی از نظر وضعیت شغلی ۴۳ درصد پسران اوضاع را بهتر و ۷۱/۹ درصد دختران اوضاع را بدون تغییر دانسته‌اند. در مجموع، ارزیابی منفی در میان پسران و ثبات و عدم تغییر در میان دختران غالب بوده است.

در مجموع اکثر جوانان آرزوهای بزرگی برای آینده خود نداشته و خواسته‌هایشان کوچک یا متوسط بوده، اما در مقایسه نسبت پسران با آرزوهای بزرگ (۴۱/۲ درصد در مقابل ۳۷/۵ درصد) بیش از دختران است. اکثر پاسخگویان در وهله اول به اعضای خانواده و فامیل بسیار نزدیک خود اعتماد دارند و در درجه

بعدی دوستان قرار می‌گیرند، اما نسبت اعتماد پسران به دوستان خود بیش از دختران است. اصلی‌ترین مسائل و مشکلات جوانان از نظر خودشان به ترتیب بیکاری و نداشتن شغل مناسب، مشکلات فردی، مشکلات ساختاری جامعه، مسایل مالی و معیشتی و سپس مسایل مربوط به خانواده و ازدواج مطرح شده است.

در ارزیابی‌های پاسخگویان، ۴۲/۸ درصد دختران و ۵۹/۳ درصد پسران بر این باورند که جوانان ایرانی چند چهره دارند و هر جا لازم باشد یک چهره خود را نشان می‌دهند. این گونه داورها بازتاب شرایط آنومیک جامعه است. در مجموع، با توجه به جنبه‌های مثبت و منفی زندگی در دیگر کشورهای جهان، دختران ۳۰/۸ درصد و پسران ۴۰/۷ درصد تمایل شدید به اقامت در کشور دیگر را دارند، در حالی که این ارقام در تمایل کم به ۲۵ درصد در میان دختران می‌رسد. نارضایتی در ابعاد مختلف زندگی از جمله عوامل زمینه‌ساز احساس آنومی فردی است که از کل جوانان ۵۴/۳ درصد نارضایتی زیاد داشته‌اند، این میزان در میان دختران ۴۹/۵ درصد و پسران ۵۶/۵ درصد در مورد تحصیلات، وضعیت شغلی و درآمدی، احترام اجتماعی، رفاه اجتماعی و غیره ابراز شده است.

طبق یافته‌های پژوهش بیش از ۵۰ درصد از جوانان دچار احساس آنومی فردی بوده که نسبت قابل توجهی است، اما در کل تفاوت معناداری میان دختران و پسران وجود ندارد. در ابعاد تشکیل‌دهنده آنومی در موارد ناآگاهی نسبت به خواسته‌های جوانان، داشتن نگرانی و اضطراب، عدم توجه به قوانین و قواعد جامعه، احساس غمگینی، احساس ریشه و لرزش بدن و سابقه اقدام به خودکشی هم تفاوت میان دختران و پسران طبق آزمون‌های برآورد شده معنادار نیست. اما در برخی ابعاد نظیر عدم درک جوانان و شرایط آنان از سوی والدین، دیدن کابوس در خواب، احساس از هم پاشیدگی زندگی، داشتن افکار ترسناک، احساس عدم تشخیص درست از نادرست، میزان احساس آنومی فردی پسران بیش از دختران است. در حالی که در زمینه احساس سرگیجه و خستگی مفرط، احساس قدرت و انرژی زیاد، سابقه فکر کردن به خودکشی، اقدام به خودکشی و احساس عدم وجود معیارهای اخلاقی روشن و مشخص دختران بیش از پسران دچار احساس آنومی هستند. در مجموع، احساس آنومی فردی در میان جوانان در حد زیاد و متوسط برآورد شده که حدود ۵۶ درصد از پسران و ۵۲/۲ درصد دختران دارای احساس آنومی فردی در حد بالا هستند. این نتیجه نشان‌دهنده وضعیت آنومیک در میان جوانان است که جنسیت در آن دخالت ندارد. به بیان دیگر، وضعیت جوانان را به لحاظ احساس آنومی فردی می‌توان نامطلوب توصیف کرد. اما با وجود اختلاف در برخی عناصر تشکیل دهنده آن، تفاوت معنادار میان دختران و پسران مشاهده نمی‌شود. این مسأله از یک سو فاصله اهداف از فرصت‌های عملی و شیوه‌ها و وسایل دستیابی به آنها را نشان می‌دهد و از سویی دیگر، کاهش تفاوت میان خواسته‌های دختران و پسران را بازتاب می‌دهد که مطالبات مشابه صرف- نظر از جنسیت را از جامعه مطرح می‌سازند.

جدول ۱ - توزیع فراوانی جوانان بر حسب ابعاد احساس آنومی فردی به تفکیک جنس

تفاوت ها	جنس				ابعاد احساس آنومی فردی	ردیف		
	پسر		دختر					
	زیاد	متوسط	کم	زیاد				
معناداری	آماره	زیاد	متوسط	کم	زیاد	متوسط	کم	
۰/۰۰۰	۲۰/۷۵	۶۱/۶	۳۷/۷	۱۰/۷	۴۲/۷	۴۰/۹	۱۵/۴	۱ عدم درک جوانان و بی خبری از شرایط آنان توسط پدرومادرها
۰/۳۳۶	۲/۱۸۴	۶۱/۰	۱۸/۸	۲۰/۲	۶۲/۱	۱۴/۵	۲۲/۴	۲ ناآگاهی نسبت به خواسته های جوانان و بی اهمیتی به آنها
۰/۰۰۴	۱۱/۰۳۷	۸/۷	۲۲/۵	۶۸/۸	۶/۳	۱۳/۴	۸۰/۳	۳ دیدن کلبوس در خواب
۰/۸۹	۰/۱۷۷	۱۹/۵	۳۳/۷	۴۶/۷	۲۰/۹	۳۲/۱	۴۶/۱	۴ داشتن نگرانی و اضطراب
۰/۰۶۱	۵/۴۵۴	۱۳/۵	۲۱/۵	۶۵/۰	۷/۹	۲۰/۲	۷۱/۸	۵ احساس از هم پاشیدگی زندگی
۰/۰۹۱	۰/۰۳۵	۲۹/۴	۲۶/۹	۴۲/۷	۲۹/۶	۲۶/۳	۴۴/۳	۶ عدم توجه به قوانین و قواعد جامعه
۰/۰۸۲	۴/۸۴	۶/۳	۳۰/۶	۷۳/۱	۱۰/۶	۱۶/۹	۷۲/۵	۷ احساس سرگیجه و خستگی مفرط
۰/۱۴۵	۳/۸۵۷	۱۸/۶	۲۸/۱	۵۳/۳	۱۲/۹	۳۱/۴	۵۵/۷	۸ احساس افسردگی و غمگینی
۰/۱۲۶	۳/۹۹۶	۵/۹	۱۱/۵	۸۲/۶	۳/۵	۸/۲	۸۸/۲	۹ احساس رعشه و لرزش بدن
۰/۰۰۰	۱۷/۱۵۹	۴۱/۹	۳۷/۴	۲۰/۷	۳۰/۲	۳۵/۷	۳۴/۱	۱۰ احساس قدرت و انرژی زیاد
۰/۰۰۲	۱۰/۳۳	۸/۲	۲۷/۳	۶۴/۵	۷/۸	۱۶/۹	۷۵/۳	۱۱ احساس سستی و بی حالی مفرط
۰/۰۲۰	۷/۸۴	۱۲/۸	۱۹/۸	۶۷/۴	۶/۷	۲۵/۳	۶۸/۰	۱۲ داشتن افکار ترسناک و نازاحت کننده
۰/۰۴۷	۶/۱۱۱	۳/۵	۴/۷	۹۱/۷	۵/۲	۹/۴	۸۵/۵	۱۳ سابقه فکر کردن به خودکشی
۰/۴۸۵	۱/۴۴۶	۰	۲/۵	۹۷/۵	۰/۲	۱/۵	۹۸/۳	۱۴ سابقه اقدام به خودکشی
۰/۰۳۰	۷/۰۵۱	۵۸/۶	۳۲/۰	۱۸/۴	۶۸/۶	۱۸/۴	۱۲/۹	۱۵ احساس عدم تشخیص درست از نادرست
۰/۰۰۲	۱۳/۴۱۱	۴۸/۳	۱۷/۴	۳۴/۳	۶۲/۰	۱۴/۱	۳۳/۹	۱۶ احساس عدم وجود معیارهای اخلاقی روشن و مشخص

تبیین یافته‌ها

نتایج حاصل از جدول متقاطع و آزمون‌های آماری نشانگر آن است که احساس آنومی فردی دختران بر حسب سن متفاوت نبوده و تقریباً توزیع برابر در گروه‌های سنی داشته است. در گروه سنی ۱۸-۱۵ سال ۵۴/۳ درصد، ۱۹-۲۴ سال ۵۴/۳ درصد و ۲۵-۲۹ سال ۵۳/۴ درصد میزان آنومی زیاد برآورد شده که اهمیت جوان بودن را در ارتباط با موضوع بازتاب می‌دهد. با افزایش سطح تحصیلات، روند احساس آنومی در میان دختران کاهش می‌یابد و طبق آزمون برآورد شده بین سطح تحصیلات و میزان آنومی فردی دختران رابطه معنادار وجود دارد ($P=0/001$). این نتیجه توجه بیشتر جامعه به آموزش دختران به ویژه در سطوح عالی را یادآور می‌شود. بین وضع فعالیت و احساس آنومی رابطه معنادار وجود نداشته، ولی کمترین حد متعلق به دختران شاغل است.

طبق بسیاری از مطالعات، نحوه گذران اوقات فراغت به صورت صحیح و خلاق می‌تواند در کاهش تنش‌ها، ایجاد انگیزه، افزایش توانمندی‌ها و غیره مؤثر باشد. طبق نتایج به دست آمده احساس آنومی فردی دختران با تماشای ماهواره رابطه مستقیم و با ورزش کردن و خواندن روزنامه رابطه معکوس داشته است. به بیان دیگر، بیشترین میزان آنومی فردی در میان افرادی وجود داشته که در حد زیاد به تماشای ماهواره می‌پرداخته ($P = 0/003$)، اصلاً یا بسیار کم ورزش می‌کرده ($P = 0/026$) و در حد کم یا اصلاً روزنامه نمی‌خواندند ($P = 0/06$).

در زمینه شرایط خانوادگی هم یافته‌ها حاکی از آن است که بالاترین میزان احساس آنومی فردی در میان دختران جوانی وجود داشته که تحصیلات پدر و مادرشان در حد متوسط، مرتبه شغلی پدرشان پایین، اما درآمد پدرشان بالا بوده، با این وجود روابط برحسب آزمون‌های آماری معنادار نیستند. فقط میزان درآمد مادر با آنومی فردی دختران رابطه معنادار ($P = 0/008$) داشته، به طوری که با کاهش درآمد، آنومی روند افزایشی داشته است. به این ترتیب، تحصیلات، شغل و درآمد پدر بر احساس آنومی فردی فرزندان جوانشان تأثیر بسزایی نداشته است.

نگرش‌ها و ارزیابی‌های دختران جوان نسبت به مسائل متعدد از عوامل تأثیرگذار بر تشدید یا تضعیف آنومی فردی آنان بوده است. در مورد نگرش نسبت به کار زنان خارج از خانه رابطه معنادار به دست نیامده، اما نگرش مثبت به مشارکت در امور مختلف جامعه دارای رابطه معنادار و معکوس با احساس آنومی فردی بوده ($P = 0/000$) که حاکی از باور خویش و تأثیرگذاری بر شرایط جامعه است. کسانی که معتقدند امروزه فقط پول اهمیت دارد نه معیارهای دیگر بیش از دیگران دچار آنومی فردی هستند ($P = 0/002$). در صورتی که اعتقاد به تأثیرگذاری و عدم پذیرش آنچه قبل از تعیین شده رابطه معکوس با آنومی دختران داشته است ($P = 0/004$). همچنین، دخترانی که اعتقاد کمی به هم‌رنگی با جماعت داشته ($P = 0/000$) و معتقدند از هر وسیله و راهی نمی‌توان برای دستیابی به اهداف استفاده کرد ($P = 0/001$) کمتر از احساس آنومی فردی برخوردار هستند.

در مقایسه وضعیت امروز با گذشته به لحاظ درآمد ($P = 0/04$) به لحاظ اعتماد به نفس ($P = 0/01$) به لحاظ رفاه اقتصادی ($P = 0/07$) کسانی که وضعیت را بدتر ارزیابی کرده بیش از دیگران از احساس آنومی فردی بالا برخوردار بوده‌اند. همچنین، کسانی که نگرش منفی یا نامطمئن نسبت به ادامه تحصیل،

یافتن شغل مناسب و دیگر زمینه‌های موفقیت در آینده داشته ($P < 0/005$) بیش از دیگران دارای احساس انومی فردی بوده‌اند.

داشتن آرزوهای کوچک یا بزرگ سهمی در انومی فردی دختران نداشته است. اما کسانی که اصلی‌ترین مشکلات جوانان را در جامعه مشکلات ساختاری، مشکلات مالی و معیشتی و مسایل مربوط به خانواده و ازدواج داشته به ترتیب دارای بالاترین میزان انومی فردی ($P = 0/01$) بوده‌اند. این تلقی حاکی از وضعیت و شرایط انومیک جامعه است که بر انومی فردی دختران تأثیر داشته است. این ارزیابی در قضاوت نسبت به چند چهره بودن جوانان نیز خود را آشکار ساخته به طوری که بیش از ۷۰ درصد دخترانی که اعتقاد به چند چهره بودن جوانان داشته از میزان انومی فردی زیاد هم برخوردار بوده‌اند ($P = 0/001$). در این پژوهش میزان بی‌اعتمادی و نارضایتی به خوبی تأثیرات خود را بر احساس انومی فردی دختران نشان داده است. در مجموع، یافته‌ها رابطه مستقیم و معنادار میان متغیرها را تأیید کرده‌اند. دخترانی که میزان بی‌اعتمادی آنان به جامعه، مردم و دیگر افراد و گروه‌ها بیشتر بوده و احساس می‌کنند که آنان هم به جوانان اعتماد ندارند، دارای احساس انومی فردی بیشتری هستند ($P = 0/07$). همچنین بالاترین میزان انومی فردی به کسانی تعلق داشته که از وضعیت زندگی خود و جامعه در ابعاد مختلف نراضی بوده‌اند ($P = 0/000$). این مسأله، در زمینه تأکید بر نکات منفی جامعه و نکات مثبت سایر کشورها در قالب تمایل شدید به اقامت در کشورهای دیگر هم مصداق داشته است ($P = 0/02$).

بحث و نتیجه‌گیری

در شرایط تحولات گسترده و روز افزون دنیای امروز و افزایش خواسته‌ها و مطالبات گروه‌های اجتماعی مختلف، جامعه می‌تواند با ایجاد فشارهای شدید و گاه متناقض نظیر ارائه امتیازات برای گروهی و محرومیت برای گروه دیگر، شرایط مساعد برای احساس انومی را فراهم می‌کند. نتایج به دست آمده از پژوهش نمایان گر وجود بیش از ۵۰ درصد احساس انومی فردی زیاد در میان جوانان است. این ارزیابی که بر مبنای شاخص‌های احساس انومی فردی برآورد شده، نشانگر وضعیتی است که در آن جوانان حالتی از گسستگی میان خود و جامعه را تجربه می‌کنند؛ وضعیتی که شکاف میان تفسیر رفتارها در سطح فردی و در سطح ساختارهای اجتماعی را بازتاب می‌دهد. بدیهی است، این شرایط بسیار نگران کننده خواهد بود. یافته‌های پژوهش همچنین حاکی از عدم تمایز میان میزان انومی فردی دختران و پسران است. این موضوع اگرچه به خودی خود حائز اهمیت است، اما هنگامی که به عوامل موثر در میزان انومی فردی دختران پرداخته شود، عمق آن آشکار می‌شود. ماهیت احساس انومی فردی دختران متأثر از عوامل فردی و اجتماعی بوده که عملکرد نظام اجتماعی در ناهمسازی با نیازها، خواسته‌ها و انتظارات آنان را به تصویر می‌کشد. عدم گذران اوقات فراغت به شیوه‌ای خلاق، بی‌اعتمادی نسبت به دیگران، ناامیدی نسبت به آینده، نارضایتی از وضعیت موجود، تصور از شیوه‌های غلط دستیابی به اهداف، ارزیابی منفی از وضعیت کشور، اعتقاد به چند چهره داشتن جوانان، ارتباط مشکلات جوانان با مسائل ساختاری جامعه و غیره همه

معرف شرایط آنومیک در ذهن دختران است که بر افزایش و تشدید احساس آنومی فردی تأثیر داشته است.

بر اساس رهیافت‌های نظری، کم و کیف نگرش‌ها، ارزیابی‌ها، کنش‌ها و روابط افراد در جامعه تا حد قابل ملاحظه‌ای وضعیت اخلاق و نظم اجتماعی را مشخص می‌سازد. هنگامی که به دلایل متعدد ارزیابی‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به جامعه کاهش یابد، روابط به سردی گراید و احساس اعتماد و تعلق نسبت به جامعه کم شود، به همان نسبت نیز آنومی فردی افزایش می‌یابد. اگرچه «وضعیت آنومیک در هر جامعه بر اساس کیفیت مسائل پیش آمده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن جامعه می‌تواند از جهت‌گیری خاصی برخوردار باشد، به طوری که اگر ریشه‌های نابسامانی در دوره تاریخی خاص هر جامعه مثلاً رکود اقتصادی باشد، در آن دوره تاریخی آنومی اقتصادی بیش از سایر وجوه بروز پیدا می‌کند» (مرجایی، ۱۳۸۲: ۵۷). اما با این وجود، راه حل را باید در نگرش‌ها و رفتارها یا نظام شخصیت و نظام اجتماعی و پیوند میان آن دو یافت.

بدیهی است آنومی فردی مسأله پیچیده‌ای است که راه حل‌های مقطعی و موضعی پاسخگوی آن نیست. تحقق وضعیت بسامان یا غیر آنومیک مشروط به سه فرایند کم و کیف آن در جامعه است؛ فرایند جامعه‌پذیری و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها، نهادینه‌سازی و رشد جامعه مدنی. اگر افراد در فرایند جامعه‌پذیری با قطبی شدن، تضاد و تقابل، ضعف هنجارها یا بی‌هنجاری مواجه شوند و زمینه برای نهادینه‌سازی بسیاری از اهداف و ارزش‌ها فراهم نباشد و به لحاظ فردی آزادی عمل و بستر مشارکت مهیا نشود، با اختلال، بی‌نظمی و وضعیت آنومیک مواجه خواهیم بود. در این شرایط، افراد نمی‌توانند به درستی به نیازها، انتظارات و خواسته‌های خود پاسخ دهند و در نتیجه دچار آنومی فردی می‌شوند.

دستیابی به شرایط بسامان یا غیر آنومیک در جامعه کار آسانی نیست و نیازمند طرحی جامع، همه جانبه و اندیشیده شده است که در آن باید تلاشی آگاهانه به منظور ادغام خواست‌های جوانان - دختران و پسران در نگرشی جامع برای پیشرفت، برقراری روابط و مشارکت در عرصه‌های مختلف اجتماعی صورت گیرد. این طرح مستلزم ایجاد چهارچوب متفاوتی برای ارزش‌گذاری درباره مسائل، مشکلات و خواسته‌های جوانان است که با ایجاد امکانات و نهادینه شدن راه‌های صحیح دستیابی به آنها می‌تواند پیوند میان فرد و جامعه را مستحکم سازد. در چنین چشم‌اندازی افراد درگیر برای فرار از قضاوت دیگران، درصدد مقابله با هنجارها بر نمی‌آیند چرا که نظمی فراگیر، همدلانه برقرار است که در آن نیازهای دختران و پسران، جوانان و سالخوردگان و دیگر گروه‌های اجتماعی به صورت کامل دیده شده است.

منابع

- بوریکو، فرانسوا، فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۵.
- پیران، پرویز، بررسی مسایل و مشکلات جوانان در ایران، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۵.
- توسلی، غلامعباس، مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- شیانی، ملیحه و محمدی، محمدعلی، تحلیل جامعه شناختی احساس آنومی اقتصادی در میان جوانان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵، ۱۳۸۶.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- کوثری، مسعود، آنومی سیاسی در ایران، نشریه نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱، ۱۳۸۲.
- گیویان، عبدالله، بررسی آنومی و عوامل مؤثر بر آن در میان دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- محسنی تبریزی، علیرضا، آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی - فرهنگی، بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۶، ۱۳۸۱.
- مرجایی، سیدهادی، سنجش و بررسی احساس آنومی در میان جوانان، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره ۵، ۱۳۸۲.
- معیدفر، سعید، جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران، همدان: نورعلم، ۱۳۸۵.
- یزدان پناه، لیلیا، موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۳۸۶.
- Abercrombie, N, Hill, S and Turner. B. S(1988) Dictionary of Sociology, USA: Penguin
- Abercrombie, Nicholas (2004) Sociology, Polity Press.
- Adler, Freda, ,William Laufer (2000) The Legacy of Anomie Theory, USA; New Brunswick, New Jersey
- Crothers, C (1987) Robert K. Merton: Key Sociologists, London, New York: Tavistock Pub, Ellis Horwood Limited.
- Durkheim . E (1951) Suicide: A Study in Sociology, Glenco: Free Press.
- Frisby, D & Derek Sayer (1986) Society, London, New York: Tavistock Pub, Ellis Horwood Limited .
- Merton, Robert, k.(1938) Social Structure and Anomie, American Sociological Review Vol: 3
- Miller, D. C (1991) Handbook of Research Design & Social Measurement, California: Sage.
- Stockard, Jean. (2000) Sociology: Discovering Society, Wadsworth & Thomson Learning
- Turner J.H et. al (1998) The Emergence of Sociological Theory, Wadworth Publishing Co.
- Turner, Jonathan (2003) The Structure of Sociological Theory, seven edition, Thomson &Wadsworth.
- Young, Micheal (1961) The Rise of the Meritocracy, Penguin Books: Harmondsworth.